

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خطبه تطنجیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام که دارای باطنی ژرف و اسراری عظیم است

حضرت این خطبه را بین مدینه و کوفه انشاء فرمودند:

حمد و ستایش از آن خدایی است که فضاها را از هم گشود و هوا را شکافت ، گوشه ها را معلق کرد ، روشنایی را روشنی بخشید ، مردگان را زنده کرد و زندگان را میراند .

من او را حمد می کنم ، حمدی که ساطع شود و بالا رود ، تشعشع پیدا کند و بدرخشد ، حمدی که ارسال آن در آسمان بالا رود ، با اعتدال در فضا حرکت کند . او آسمانها را بدون ستون آفرید و بدون ستون آن را بر پا داشت و آن را با ستارگان نورانی زینت داد و ابرها را در فضا محبوس نمود ، دریاها و کوه ها را با وجود تلاطم امواج نرم و دلنشین آفرید ، تنگنای آن را باز کرد و امواج آن به بالا پرتاب شد .

من او را حمد می کنم و حمد متعلق به اوست ، شهادت می دهم که خدایی جز او نیست ، شهادت می دهم که محمد ص بنده و فرستاده اوست ، او را از فضای بالا انتخاب کرده است ، او را در بین اعراب به رسالت فرستاد ، او را هدایت کننده و هدایت شده مبعوث نمود ، حرکتی طلسم شکن ، دلیل ها ارائه داد ، رسالتها را به پایان رساند ، با او به مسلمانان بصیرت داد ، با او دین را اظهار کرد . صلوات خداوند بر او و آل پاکش باد .

ای مردم ، بسوی شیعیان من رجوع کنید ، به بیعت با من پایبند باشید ، با یقین نیکو در دین خود مواظبت نمایید ، به وصی پیامبرتان تمسک جوئید که نجات شما بدست اوست . در روز محشر با محبت او نجات می یابید ، پس من امید و آرزو هستم .

من بر روی دو تطنج (خلیج) ایستادم ، به دو مغرب و دو مشرق نگاه کردم ، با همین چشم رحمت خداوند و فردوس را دیدم ، در حالی که آن در دریای هفتم و در فلک جاری بود ، و در امواج خروشان آن ستارگان قرار دارند . دیدم زمین در هم پیچیده است مانند در هم پیچیدن لباس کوتاه . زمین در شکاف تطنج راست قرار داشت که در امتداد مشرق و دو تطنج دو خلیج آب قرار داشت که گویا سمت چپ دو تطنج قرار دارند . من در امتداد دایره آن بودم ، و فردوس چیست ؟ اینها در برابر فردوس مانند انگشتر در انگشت بودند .

من خورشید را به هنگام غروب دیدم که مانند پرنده ای بود که به لانه باز می گشت ، و اگر نبود اصطکاک سر فردوس و مخلوط شدن دو تطنج و صدای فلک ، همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند صدای خاکستر شدن آتش ناشی از ورود خورشید به آب سیاه را می شنیدند . این آب سیاه ، چشمه حمئه است .

من چیزهایی از عجایب مخلوقات خداوند دانستم که کسی جز خداوند نمی داند . شناختم آنچه تا کنون اتفاق افتاده است و آنچه اتفاق خواهد افتاد و آنچه در عالم ذر اول برای آدم اول که مقدم بوده ، اتفاق افتاده است ، و اینها برای من مکاشفه گردید و من معرفت پیدا کردم . پروردگارم به من تعلیم داد و من آموختم . پس اینها را درک کنید و ضجه نزنید و مضطرب نشوید .

اگر من نمی ترسیدم که بگویند او جنی شده و یا اینکه او مرتد شده است به شما خبر می دادم که آنها چه وضعیتی داشتند و شما امروز چه وضعیتی دارید و تا روز قیامت چه مسایلی خواهید داشت . اینها علمی است که به من داده شده است و من آن را آموختم و این علم از همه پیامبران پنهان نگه داشته شده است مگر صاحب شریعت شما ، پس این پیامبر علمش را به من آموخت و من نیز علم خود را به او آموختم .

بدانید که ما انداز کنندگان اولین هستیم ، انداز کنندگان آخرت و دنیا ، انداز کنندگان هر زمان و لحظه .

هر کس هلاک شد بخاطر ما هلاک شد ، و هر کس نجات یافت بخاطر ما نجات یافت . پس شما نمی توانید این دو حالت را در ما تعیین کنید .

به خدایی سوگند می خورم که دانه را شکافت ، انسانها را آفرید ، و در جبروت و عظمت یگانه است ، و بادها و هوا و پرندهگان در تسخیر من در آمدند .

دنیا بر من عرضه شد و من از آن روی برگرداندم .

من چهره دنیا را در هم پیچیدم و خمیده شد .

چگونه کسی می تواند به من برسد ؟

من به آنچه که بالای فردوس اعلی است و آنچه که در زیر زمین هفتم پائینی و آنچه که در آسمانهای بالا و آنچه که بین آسمان و زمین و آنچه که زیر خاک است علم دارم . همه اینها علم احاطه است و نه علم خبر دادن .

به پروردگار عرش بزرگ سوگند می خورم ، اگر بخوام می توانم به شما بگویم پدرانان و اسلاف شما کجا زندگی می کردند و از کدام طایفه بودند و اکنون کجا هستند و به چه سرنوشتی دچار شدند .

چه بسیار از شما که گوشت برادرش را می خورد و در کاسه جمجمه پدرش آب می نوشد ، در حالی که مشتاق پدرش می باشد و آرزوی دیدار او را دارد .

هرگز ، هرگز ، وقتی پرده ها کنار رود ، آنچه در سینه هاست به ثمر بنشیند ، آنگاه معلوم می گردد که گرایش درون به چیست ، و به خداوند سوگند شما بارها رجوع کردید و بین هر رجوع چه بسیار آیه و آیاتی وجود دارد ، عده ای به قتل می رسند و عده ای می میرند ، برخی در لانه پرندگان هستند ، برخی در شکم حیوانات وحشی ، مردم عده ای رفته اند و عده ای در غرور زنده اند ، عده ای می روند و عده ای می آیند .

اگر برای شما نمایان شود آنچه من در قدیم اول انجام داده ام و آنچه در آخرت انجام خواهم داد ، چیزهای عجیب و بزرگ و اموری تعجب برانگیز خواهید دید و صنایع و قدرتهایی را مشاهده خواهید نمود .

من همراه مخلوقات اول قبل از نوح اول بودم . اگر بدانید که بین آدم و نوح چه اعمال عجیبی را انجام دادم ، چه امتهایی را هلاک کردم ، پس عذاب به حق به آنان تعلق گرفت ، چه بد اعمالی از خود ارائه دادند .

من صاحب طوفان اول و طوفان دوم بودم ،

من صاحب سیل عرم ، صاحب اسرار محرمانه ،

همراه قوم عاد و آن باغها ، همراه قوم ثمود و آن آیات بودم . من آنها را ویران کردم ، من برای آنها زلزله ایجاد کردم ، من آنها را باز خواهم گرداند ، من آنها را نابود کردم ، من آنها

را تدبیر کردم ، من آنها را بنا کردم ، من آنها را گستراندم ، من آنها را میراندم ، من آنها را زنده خواهم کرد ،

من اولین هستم ، من آخرین هستم ، من ظاهر هستم ، من باطن هستم . در کنار ستارگان جنوبی و قبل از آنها ، در کنار خانه ها و قبل از آنها ، در کنار قلم و قبل از آن ، در کنار لوح و قبل از آن ، و صاحب ازلیت اول هستم ، صاحب دو شهر جابلقا و جابرسا ، صاحب رفوف و بهرم ، تدبیر کننده عالم اول هستم ، آن هنگام که نه این آسمان شما وجود داشت و نه از این دشتها خبری بود.

در این لحظه ابن صویرمه برخاست و گفت تو اینگونه بودی ای امیرالمؤمنین ، تو؟!؟!؟

امام فرمود : من ، خود من ،

خدایی جز الله پروردگار من و پروردگار همه مخلوقات وجود ندارد . او صاحب خلق و امر است ، خدایی که با حکمت خویش امور را تدبیر نمود و آسمانها و زمین با قدرت او بر پا شد .

گویا من افراد ضعیف شما را می بینم که می گویند آیا نمی بینید پسر ابی طالب چه چیزهایی برای خود ادعا می کند ، در حالی که دیروز سپاه شام بر او یورش بردند و او نتوانست بسوی آنها هجوم برد ؟

به خدایی که محمد (ص) و ابراهیم (ع) را به پیامبری مبعوث نمود سوگند می خورم ، که من اهل شام را با کمک شما به قتل خواهم رساند در چندین جنگ و چه جنگهایی . به حق خودم و به عظمت خودم سوگند می خورم که با کمک شما اهل شام را به قتل خواهم رساند در چندین جنگ و چه جنگهایی ، و اهل صفین را به قتل خواهم رساند و در برابر هر یک کشته از سپاه خود ، هفتاد کشته از آنها خواهم گرفت . به هر مسلمانی یک حیات مجدد خواهم بخشید ، قاتلش را به او تحویل خواهم داد تا اینکه جوشی خشم دورنم از او آرام شود .

در برابر کشته شدن عمار بن یاسر و اویس قرنی ، هزار نفر را خواهم کشت . گفته خواهد شد نه ، چنین چیزی ممکن نیست ، چگونه ، کجا ، کی ، چه موقع ، تا کی ... وقتی بشنوید که صاحب شام با قیچی تکه تکه می شود ، با ساطور تکه تکه می شود ، بعد عذابی دردناک را به او خواهم چشاند ، در این صورت چه خواهید گفت .

اما بشارت می دهم که فردا با دستور پروردگارم امور مخلوقات به من سپرده خواهد شد ، پس آنچه را گفتم بزرگنمایی ندانید .

ما صاحب علم سرنوشتها و بلاها و تأویل و تنزیل و فصل الخطاب و علم نوازل و حوادث و بلاها هستیم ، پس هیچ چیزی از ما پنهان نیست .

گویا من این را می بینم (اشاره به امام حسین ع نمود) که نورش بین دو چشمش برانگیخته شده است ، من همان موقع نزد او حاضر می شوم ، در هنگامی طولانی مدت خواهد بود ، در دنیا زلزله و خسوف بوجود می آورد ، مؤمنان در کنار او از هر مکان برانگیخته می شوند .

به خداوند سوگند اگر بخواهم می توانم نام آن مردها را یکی یکی با نام پدرانشان باز گویم در حالی که آنها هنوز در صلب پدران و رحم زنان هستند و تا روز وقت معلوم متولد خواهند شد . و بعد فرمود : ای جابر ، شما در کنار حق قرار دارید ، در کنار او باقی خواهید بود و در راه حق خواهید مرد .

ای جابر ، وقتی که ناقوس فریاد زند ، کابوس بیاید ، جاموس صحبت کند ، در آن هنگام عجایی رخ خواهد داد و چه عجایی ، وقتی که آتش در بصره روشن شود و پرچم عثمانی در وادی سیاه ظاهر شود و در بصره شورش شود و برخی بر برخی دیگر غالب شوند ، هر قومی به قوم دیگر هجوم برند ، سپاهیان خراسان حرکت کنند ، شعیب بن صالح از مرکز طالقان مورد پیروی قرار گیرد ، با سعید سوسی در خوزستان بیعت شود ، بزرگان کردستان پرچمی برافراشته کنند ، اعراب بر سرزمین ارامنه و سقلب پیروز شوند و هرقل در قسطنطنیه (ترکیه) فرماندهان روم و یهود سینان را به رسمیت بشناسند ، در آن هنگام منتظر ظهور درختی باشید که با موسی ع در طور تکلم نمود . این بصورت ظاهر و آشکار اتفاق خواهد افتاد و با چشم دیده می شود و قابل توصیف است . بدانید که چه عجایی را نگفتم و چه مفاهیمی را کتمان کردم که کسی را نمی بینم که ظرفیت آن را داشته باشد .

من در کنار ابلیس در سجده بودم ، من به دستور خداوند او و لشکریانش را بخاطر غرور و تکبر عذاب خواهم کرد .

من بودم که ادریس را به مکانی مرتفع بالا بردم ،

من بودم که عیسی را در کودکی در گهواره به حرف آوردم ،

من میدانها را میدان کردم و زمین را مستقر نمودم .

من بودم که زمین را پنج قسمت کردم ، یک پنجم را خشکی ، یک پنجم را دریا ، یک پنجم را کوه

، یک پنجم را آباد و یک پنجم را ویران قرار دادم .

من قلزم را از ترجیم ، و عقیم را از حیم ، و همه را از همه بیرون کشیدم و بعضی را از بعضی

دیگر خارج گرداندم .

من طیرثا ، جانبوثا ، بارحلون و علیوثوثا هستم .

من بر دریاها در امواج آن منتظر هستم تا چیزی را که از اسب و مردان برای من آماده کرده

است برایم بیرون بریزد ،

من آنچه را دوست دارم از آنها تحویل می گیرم و آنچه را می خواهم رها می کنم ، و بعد

دوازده هزار مرد سیاه را به عمار بن یاسر تحویل می دهم که از بین آنها عده ای دوستدار خدا

و رسولش ص هستند ، در کنار هر کدامشان دوازده هزار گردان نیرو قرار دارد که کسی جز

خداوند تعدادشان را نمی داند .

پس بشارت باد که شما بهترین برادران هستید .

بدانید شما بعد از مدتی مرحله ای خواهید داشت که در آن برخی از توضیحات را خواهید

آموخت و برهانها برای شما آشکار می شود . وقتی که ستاره بهرام و کیوان در نزدیکی دقیقی

به یکدیگر طلوع کنند ، در آن هنگام زلزله ها و زمین لرزه ها پشت سر هم رخ می دهد و پرچم

هایی از ساحل جیحون به سمت بیابانهای بابل حرکت کنند .

من بنا کننده برجها ، منعقد کننده بادها ، باز کننده شکافها ، منتشر کننده صداهای متراکم ، و

صاحب کوه طور هستم .

من آن نور ظاهر شده ، و آن برهان حیرت انگیز می باشم . آنچه برای موسی مکاشفه گردید ،

تکه ای از تکه های ذره از یک مثقال بود .

من همه اینها را با علمی که خدای ذوالجلال عطا کرده ، دارم .

من صاحب بهشتهای جاودان و جاری کننده نهرها هستم ، نهرهایی از آب خروشان ، نهرهایی از شیر ، نهرهایی از عسل خالص ، نهرهایی از شراب لذتبخش برای کسانی که از آن می نوشند .
من جهنم را پنهان کردم و ان را به شکل طبقاتی از سعیر و سقیر جیر و عمقیوس قرار دادم و آن را برای ظالمین آماده نمودم . در هر یک از این طبقات وادی برهوت قرار دادم .
به فلق سوگند ، به خدایی که آفرید سوگند ، که ساحران و طاغوت و پیروان آن دو و کسانی که به خدای صاحب ملک و ملکوت کافر باشد در آن جاودان خواهند بود .

من سازنده اقلیم ها به دستور خدای علیم حکیم هستم ،

من کلمه ای هستم که با آن امور کامل می شود و روزگاران روزگار می شوند .
من اقلیم ها را در چهار نوع و جزیره ها را در هفت نوع قرار دادم . اقلیم جنوب معدن برکات است و اقلیم شمال معدن خشونت است ، اقلیم صبا معدن زلزله است و اقلیم دبور معدن هلاکتهاست .

بدانید که وای بر شهرهای شما و دیار شما از دست طاغیانی که ظهور می کنند و تغییرات ایجاد می کنند و امور را تبدیل می کنند ، زمانی که سختی ها از دولت خواجه ها و حاکمیت بچه ها و زنان سرازیر شود ، در آن هنگام سرزمینها به خود می لرزد از تبلیغاتی که برای هر چیز باطلی می شود .

چقدر دور است ، چقدر دور است ، منتظر وقوع فرج بزرگ باشید . اینکه گروه گروه رو بیاورد ، زمانی که خداوند سنگریزه های نجف را جواهر کند و آن را زیر پای مؤمنین قرار دهد ، با آن برای تخلف و منافقان بیعت شود ، با وجود آن یاقوت قرمز و مروارید و جواهرات خالص باطل می شود .

بدانید این از روشن ترین علامات است تا اینکه وقتی اینگونه شد نور او نمایان می شود ، هیبت او در فضا می پیچد و آنچه می خواهید ظهور می کند ، و به آنچه دوست دارید می رسید .
بدانید که چه بسیار عجایب متراکمی و چه امور سرزنش آوری تا آن موقع رخ خواهد داد .

ای مردمی که شبیه به استخوان کج شده هستید ، و ای حیوانات سرگردان ، حال شما چگونه خواهد بود وقتی که لشکریانی با پرچم بنی کنام در کنار عثمان بن عنبسه از مستطیل شام بر

شما هجوم آورند و با این هجوم به دنبال پدر و مادرش می باشد و در این هجوم امیه را نیز همراه خود می کند ، اما هرگز که اموی یا عدوی بتوانند حق را ببینند .

سپس حضرت گریه کرد و فرمود : تعجب می کنم از امتهای ، آیا پرچم های بنی عتبه را در کنار بنی کنام ندیدند که در سه دسته حرکت می کنند و بر این کوه و آن کوه سوار می شوند به همراه وحشت شدید و ضرباتی سهمگین .

بدانید این همان لحظه ای است که به آن وعده داده شده اید . من آنها را بر اسبهای نجیب حمل خواهم کرد و مرکبهای افلاک به دور آنها حلقه خواهند زد .

گویا منافقین را می بینم که می گویند علی برای خودش مقام خدایی قائل است . بدانید و شاهد باشید ، شهادتی که من در موقع نیاز درباره آن از شما سؤال خواهم کرد ، که علی نوری است مخلوق ، و بنده ای است که به او رزق داده می شود و هر کس غیر از این بگوید لعنت خداوند و لعنت کنندگان بر او باد.

و بعد حضرت از منبر پایین آمد در حالی که می فرمود : **تَحَصَّنَتْ بِذِي الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ وَاعْتَصَمَتْ بِذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ وَامْتَنَعَتْ بِذِي الْقُدْرَةِ وَالْمَلَكُوتِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ** (به خدای صاحب ملک و ملکوت پناه می برم ، به خدای صاحب عزت و جبروت متمسک می شوم ، به خدای صاحب قدرت و ملکوت متوسل می شوم ، از آنچه نگران هستم و از آن مواظبت می کنم) ، ای مردم ، هر کس از شما این جملات را هنگام سختی و گرفتاری بگوید خداوند آن را از او برطرف خواهد کرد .

در این لحظه جابر به امام گفت فقط همین جملات ای امیرالمؤمنین ؟

حضرت فرمود : بله و سیزده اسم را به آن اضافه می کنم .

بعد سوار شد و رفت .